

آسیب پذیرگ حدیث

احادیث هم مانند هر پدیده ی دیگری آسیب پذیرند و زمینه ی بروز انواع آسیب را دارند. (۱) روایات و شواهد تاریخی خود گواهی بر این مدعاست. شخصی از علی علیه السلام درباره ی حدیثهای نوآورده و خبرهایی که در دست مردم است و با یکدیگر اختلاف دارد، پرسید. امام فرمود:

إِنَّ فِي آيِدِي النَّاسِ حَقًّا وَبَاطِلًا وَصِدْقًا وَكَذِبًا وَنَاسِخًا وَمَنْسُوخًا وَعَامًّا وَخَاصًّا وَمُحْكَمًا وَمُتَشَابِهًا وَحِفْظًا وَوَهْمًا... (۲)؛ در دست مردم است از حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه و آنچه در خاطر سپرده شده است و آنچه راوی در آن، گمان پردازی کرده است... (۳)

نیز حضرت علیه السلام در سخنرانی دیگری، بعد از حمد و ثنای الهی، مردم را به وجود برخی از آسیبها در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله هوشیار می سازد و هشدار می دهد که بر این اساس فتوا ندهند و در ادامه، راه حلی را ارائه می کند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُفْتُوا النَّاسَ بِمَا لَا تَعْمُونَ. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ قَوْلًا مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَقَالَ قَوْلًا وَضَعَ عَلَى غَيْرِ مَوْضِعِهِ وَكَذَبَ عَلَيْهِ... (۴)؛ ای مردم! از خدا بترسید و دیگران را به آنچه نمی دانید، فتوا ندهید؛ چه اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله سخنی را فرموده در حالی که از آن به سخن دیگری عدول نموده است و نیز سخنی را گفته ولی آن در جای خودش (معنای مناسب آن) قرار نگرفته و بر ایشان دروغ بسته شده است. منصور بن حازم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم:

فَاخْبِرْنِي عَنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَدَقُوا عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمْ كَذَبُوا؟ قَالَ بَلَّ صَدَقُوا. قَالَ: قُلْتُ: فَمَا بِالْهُمُ اخْتَلَفُوا؟ فَقَالَ: أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَأْتِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَسْأَلُهُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ فَيَجِيبُهُ فِيهَا بِالْجَوَابِ ثُمَّ يَجِيبُهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَا يُنْسِخُ ذَلِكَ الْجَوَابَ فَتَنْسَخُ الْأَحَادِيثُ بَعْضُهَا بَعْضًا (۵)؛ آگاهم سازید آیا اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت دروغ بستند یا راست گفتند؟ فرمود: راست گفتند. گفتم: پس چرا اختلاف پیدا کردند؟ فرمود: مگر نمی دانی که چون فردی خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله می آمد و از او مسأله ای را می پرسید، آن حضرت جوابش می فرمود و بعدها پاسخی دیگر می داد که پاسخ اول را نسخ می کرد. پس برخی از احادیث، برخی دیگر را نسخ می کند.

از امام رضا علیه السلام نقل است:

إِنَّ فِي أَخْبَارِنَا مُحْكَمًا كُمُحْكَمِ الْقُرْآنِ وَمُتَشَابِهًا كَمُتَشَابِهِ الْقُرْآنِ فَرَدُّوا مُتَشَابِهَهَا إِلَى مُحْكَمِهَا وَلَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهَا دُونَ مُحْكَمِهَا فَتَضِلُّوا (۶)؛ در اخبار ما همچون قرآن، محکم و متشابه وجود دارد. پس اخبار متشابه ما را به محکومات آن ارجاع دهید و بدون توجه به محکومات آن، از متشابهات آن پیروی نکنید که گمراه می شوید. زیاد گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود:



یا زیاده! ما تقول لو اُقتینا رجلاً مِمَّنْ يَتَوَلَّانا بِشَيْءٍ مِنَ التَّقِيَّةِ؟ قال: قُلْتُ لَهُ: أَنْتَ أَعْلَمُ، جُعِلْتُ فِدَاكَ! قال: إِنْ أَخَذَ بِهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَعْظَمُ أَجْرًا - وفي روايةٍ أُخْرَى - إِنْ أَخَذَ بِهِ أَوْ جَرَوْا إِنْ تَرَكَهُ وَاللَّهُ أَثَرُ (۷)؛ اگر ما به یکی از دوستان خود فتوایی از روی تقیه دهیم، چه می گویی؟ گفتیم: فدایت شوم! شما بهتر می دانید. فرمود: اگر به همان عمل کند، برایش بهتر و پاداشش بزرگتر است. و در روایت دیگری آمده است: اگر به آن عمل کند، پاداش داده می شود و اگر آن را ترک کند، - به خدا سوگند - گناهکار است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَتَقِيَّهَا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَإِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفُ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرَجَ (۸)؛ کسی از شما تا معانی پنهان و اشارات سخنان ما را نشناسد، فقیه نخواهد بود؛ چرا که گاه سخنی از ما هفتاد معنا (و احتمال) را برمی تابد و از همه ی آنها برای ما بیرون شُدی است (و در بیان آن معانی باز نمی مانیم). از هشام بن حکم نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

كَانَ الْمُغِيرَةُ بْنُ سَعِيدٍ يَتَعَمَّدُ الْكَذِبَ عَلَى أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَأْخُذُ كُتُبَ أَصْحَابِهِ وَكَانَ أَصْحَابُهُ الْمُسْتَتِرُونَ بِأَصْحَابِ أَبِي يَأْخُذُونَ الْكُتُبَ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي فَيَدْفَعُونَهَا إِلَى الْمُغِيرَةِ فَكَانَ يَدُسُّ فِيهَا الْكُفْرَ وَالزُّنْدَقَةَ وَيُسْنِدُهَا إِلَى أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ يَدْفَعُهَا إِلَى أَصْحَابِهِ فَيَأْمُرُهُمْ أَنْ يَبْثُوهَا فِي الشَّيْعَةِ. فَكُلُّ مَا كَانَ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعُلُوِّ فَذَلِكَ مِمَّا دَسَّهَ الْمُغِيرَةُ بْنُ سَعِيدٍ فِي كُتُبِهِمْ (۹)؛ مغیره ی بن سعید از سر عمد بر پدرم دروغ می بست. اصحاب مغیره در میان اصحاب پدرم پنهان بودند و کتابهای اصحاب پدرم را می گرفتند و به مغیره می دادند و او مطالب کفرآمیز و الحادی را در میان آن کتابها می گنجاند و به پدرم نسبت می داد، سپس از اصحابش می خواست که آن را در میان شیعیان منتشر کنند. بنابراین، هر آنچه از مطالب غلو و افراطی در میان کتابهای پدرم هست، از همین مطالبی است که مغیره ی بن سعید در میان کتبشان پنهانی وارد ساخته است.

امام عسکری علیه السلام می فرماید:

إِنَّمَا كَثُرَ التَّخْلِيْطُ فِيمَا يُحْتَمَلُ عِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لِذَلِكَ؛ لِأَنَّ الْفَسَقَةَ يَتَحَمَّلُونَ عِنَّا فَيَحَرِّفُونَهُ بِأَسْرِهِ بِجَهْلِهِمْ وَيَضَعُونَ الْأَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهَا وَأَوْجُوهِهَا لِقِلَّةِ مَعْرِفَتِهِمْ، وَآخَرُونَ يَتَعَمَّدُونَ الْكَذِبَ عَلَيْنَا لِيَجْرُوا مِنْ عَرَضِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَذْهَبُ إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ، وَمِنْهُمْ قَوْمٌ نَصَابٌ لَا يَقْدِرُونَ عَلَى الْقَدَحِ فَيُنَايِتَعَلَّمُونَ بَعْضَ عُلُومِنَا الصَّحِيحَةِ فَيَتَوَجَّهُونَ بِهِ عِنْدَ شِيعَتِنَا وَيَنْتَقِصُونَ بِنَا عِنْدَ نَصَابِنَا ثُمَّ يُضَيِّفُونَ إِلَيْهِ أَضْعَافَهُ وَأَضْعَافَ أَضْعَافِهِ مِنَ الْأَكَاذِبِ عَلَيْنَا الَّتِي نَحْنُ بُرَاءٌ مِنْهَا فَيَتَقَبَّلُهَا الْمُسْتَسَامُونَ مِنْ شِيعَتِنَا عَلَى أَنَّهُ مِنْ عُلُومِنَا فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا وَهُمْ أَضَرُّ عَلَى ضَعْفَاءِ شِيعَتِنَا مِنْ جَيْشِ زَيْدٍ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَأَصْحَابِهِ؛ فَإِنَّهُمْ يَسْلُبُونَهُمْ الْأَرْوَاحَ وَالْأَمْوَالَ وَهَؤُلَاءِ عُلَمَاءُ السَّوِّ النَّاصِبُونَ



الْمُتَشَبِّهُونَ بِأَنَّهُمْ لَنَا مُوَالُونَ وَلَا عِدَائِنَا مُعَادُونَ وَيُدْخِلُونَ الشَّكَّ وَالشُّبْهَةَ عَلَى ضُعْفَاءِ شِيعَتِنَا فَيُضِلُّونَهُمْ وَ يَمَعُونَهُمْ عَنْ قَصْدِ الْحَقِّ الْمُصِيبِ (۱۰)؛ به راستی بسیاری از مطالب بازگفته‌ی ما دستخوش آشفته‌گی و درآمیختگی شده است؛ زیرا فاسقان گوش به کلام ما می‌دهند و از سر جهل، تمام آن را تغییر و تحریف می‌کنند و از کمی شناختی که دارند، مطالب را در غیر جای خود می‌نهند. جماعت دیگری نیز از سر عمد بر ما دروغ‌بندند تا از حُطام ناچیز دنیا وسیله‌ای به دست آرند که همان، سبب ورود ایشان به آتش جهنم شود. گروهی نیز از دشمنان مذهبند که توان قذح ما را ندارند؛ از این رو، برخی از علوم صحیح ما را می‌آموزند و آن را به شیعیان ما می‌رسانند و از ما نزد دشمنان عیبجویی می‌کنند، و چندین برابر آن، دروغ و اکاذیب بر ما می‌بندند که ما از همه‌ی آنها پاک و بری هستیم، ولی شیعیان ما از سر تسلیم، بنابر اینکه آن از علوم و دانش ماست، آن را می‌پذیرند، پس گمراه شوند و دیگران را به بیراهه‌کشند. زیان و ضرر این افراد بر شیعیان ضعیف ما از لشکر یزید بر حسین بن علی علیهم السلام و اصحاب آن حضرت بیشتر است؛ زیرا آنان هم روح را به تاراج می‌برند و هم اموال را به غارت. این گروه، از علمای سوء و ناصبی مذهبی هستند که خود را به ظاهر از موالی ما و دشمن اعدای ما می‌شمارند و شک و شبهه را بر شیعیان ضعیف ما می‌افکنند، گمراهشان می‌سازند و مانع ایشان از رسیدن به حق می‌گردند.

از این روایات، معلوم شد که نه تنها احادیث در معرض انواع گوناگون آسیب‌هایند؛ بلکه سوگمندان این گونه آسیبها بر برخی از احادیث سایه افکنده است. از این رو، برای کشف مراد متکلمان ویژه‌ای، همانند معصومان علیهم السلام، که به اسالیب متفاوتی سخن می‌رانند، علاوه بر اینکه باید اصول و موازین مندرج در بیانات ایشان را شناخت و آن را در کشف مقصود اصلی آنان به کار گرفت، باید آن سخن را از هرگونه آسیب و پیرایه‌ای زدود. بنابراین، با اینکه نمی‌توان به دلیل برخی مشکلات و آفات و وجود شماری احادیث آسیب دیده و ضعیف در میان مجموعه‌ی احادیث، همه احادیث را معلول و ضعیف شمرد و از دریای مواج احادیث چشم پوشید و همه‌ی احادیث را کنار گذاشت؛ اما نمی‌توان همه آنها را صحیح و سالم و مورد قبول دانست. پذیرش این نکته (وجود برخی از آسیبها در میان احادیث) موجب می‌شود که آسیبها و آفات از عنوان امری غیرقابل تصور و قابل پذیرش، خارج شود و به امری لازم برای بقا حیات معنوی احادیث و دفاع از ساحت قدسی احادیث صحیح، تبدیل گردد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَفَةٌ». هر چیزی آفتی دارد. (محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۸۴). رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ! أَفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ»؛ ای علی! آفت حدیث و سخن، دروغ است. محمد بن علی قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۱، باب النوادر؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۰.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، تحقیق صبحی الصالح، ص ۳۲۵، الخطبه ۲۱۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۰۶، ب ۱۴؛ باب عدم جواز استنباط الاحکام؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۹۰، ب ۱۲۱؛ باب تحریم الکذب علی الله؛ ج ۱۷، ص ۳۳۹، ب ۱۴؛ باب حکم استنباط الاحکام



النظرية؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲۸، ب ۲۹؛ باب علل اختلاف الاخبار؛ ج ۳۴ ص ۱۶۹؛ ج ۳۶، ص ۲۷۳، ب ۴۱؛ ج ۷۵، ص ۷۷، ب ۱۶؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۶۳، احتجاجه علی من قال بالرأى؛ حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۱۹۳.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه ی جعفر شهیدی، ص ۲۴۲ (با اندکی تغییر).

۴. در ادامه آمده است: «فَقَامَ إِلَيْهِ عَلَقَمَةُ وَعَبِيدَةُ السَّامَانِيُّ فَقَالَا: يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! فَمَا نَصْنَعُ بِمَا قَدْ خُبِّرْنَا فِي هَذَا الصُّحُفِ عَنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ سَلَا عَنْ ذَلِكَ عُلَمَاءُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَأَنَّهُ يُعْنِي نَفْسَهُ». محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۳، ب ۱۶؛ النهی عن القول بغير علم و الإفتاء بالرأى و بیان شرائطه؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۵.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۲۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰۸.

۶. محمد بن علی قمی (شیخ صدوق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، ج ۲، ص ۲۶۱؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۵، ب ۹؛ حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۴۵، ب ۱۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۵، ب ۲۶؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۱۰؛ علی بن عیسیٰ إربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۴.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۶۵؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۲۸؛ نیز: همان، صص ۲۲۰، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۴ و ۲۵۲.

۸. محمد بن علی قمی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۸۴.

۹. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۰، ب ۲۹.

۱۰. امام عسکری علیه السلام، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۳۰۰؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۸۸، ب ۱۴.

منبع: دلبری، سیدعلی (۱۳۹۱)، آسیب شناسی فهم حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، معاونت پژوهشی، دفتر پژوهش، چاپ اول